

نظام آموزش و پرورش در دوران انقلاب اسلامی

مهدیه بهرامی

^۱ کارشناسی ارشد، روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد قشم

اداره آموزش و پرورش شهرستان بندرعباس، آموزگار دبستان پسرانه صنعتی

maadi1373@yahoo.com

چکیده

آموزش و پرورش به سبک جدید که در آن مدرسه، معلم و کلاس درسی باشد از حدود ۱۵۰ سال پیش در کشور شکل گرفت، قبل از آن دانش آموزان در مکتب خانه یا مسجد تنها خواندن و نوشتن یاد می گرفتند اما در شیوه جدید آموزش، قرار شد که مهارتهایی هم به دانش آموزان آموخته شود. از آن زمان تاکنون آموزش و پرورش ما تغییرات فراوانی با هدف بهتر شدن پیدا کرد اما هر بار منتقدانی هم داشت. به طوریکه الان کارشناسان آموزشی معتقدند نظام آموزشی ما هیچ مهارتی را به دانش آموزان یاد نمی دهد و بیشتر بر حفظیات استوار است. به اعتقاد اکثر آنها، الان مشکل نظام آموزشی ما ۶ ساله بودن یا نبودن دوران ابتدایی نیست بلکه مشکل در عدم آموزش مهارت به دانش آموزان است چون سیستم آموزشی کشور سبب شده دانش آموزان و دانشجویان فقط به فکر گرفتن مدرک یا نمره قبولی باشند، به همین دلیل یک شب مانده به امتحان یا در شب امتحان شروع به حفظ کردن محتویات کتاب درسی خود کرده و اگر همان سوال ها را یک هفته بعد از دانش آموز بکنید، او قادر به پاسخگویی به تمام سوال ها نیست. این مقاله تحولات نظام آموزش و پرورش در سه دهه اخیر را مورد بررسی قرار می دهد.

کلید واژه ها: آموزش و پرورش، نظام آموزشی، دوران انقلاب اسلامی

مقدمه

سازمان دهی اجتماعی اقتصاد پس از انقلاب به طرز چشمگیری تغییر کرد و در برخی عرصه ها بهبودی نشان داد که یک مورد آن تأکید تازه بر بهبود شرایط روستاها بود. جهاد سازندگی به صورت حرکت داوطلبانه برای کمک به برداشت محصول در سال ۱۳۵۸ آغاز شد، به زودی نقش گسترده تر و رسمی تر پیدا کرد و با کمک جمعیت محلی برنامه هایی از جمله جاده سازی، لوله کشی آب، تأمین برق، درمانگاه، مدرسه و کانال های آبیاری را به اجرا در آورد... زندگی روستایی از طرق دیگری عموماً بهبود یافت. در عرصه ی دیگری که در آنها جمهوری اسلامی دستاوردهای قابل ملاحظه ای داشته است، آموزش و بهداشت عمومی است. در نواحی روستایی و فقر زده، دستاوردها چشمگیر بود و به ویژه بر زندگی زنان و کودکان تأثیر گذاشته است. در عرصه ی آموزش، مدارس از بودجه ی دولتی یارانه دریافت می کردند. از جمله در ساخت و ساز مدارس در روستاها و نواحی فقیر نشین. در دسترس بودن مدارس باعث شد که حضور دختران آسان تر شود... در نظام جدید نه تنها سواد آموزی در میان دختران و پسران به همگانی شدن نزدیک شد بلکه درصد دختران در میان پذیرفته شدگان به دانشگاه ها نیز پیوسته افزایش یافت. تا اینکه در سال ۱۳۸۲ به حدود ۶۶ درصد رسید. امروزه تقریباً راه همه ی رشته های دانشگاهی به روی زنان باز است. تقریباً هر روستا یک مدرسه دارد. نرخ باسوادی زنان از ۳۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۲ درصد در سال ۱۳۷۵ رسید. سطحی که با ترکیه قابل مقایسه و بیش از دوبرابر پاکستان است. و هنوز در حال افزایش است. «(نیکی آردی، ۱۳۸۳؛ ترجمه حقیقت خواه، صص ۹۰ و ۹۱).